Journal of Exalted Governance
"Scientific"
Summer 2026, Vol. 7, No. 26

Implications of the Complex Social Systems Approach for Security Governance in the Islamic Republic of Iran

Mahmoud Asgari[1], Mohammad Hosein Alimardani[2]

Abstract

In many security analyses, the problem of security is still understood primarily in terms of 'events,' while many internal threats result from the gradual accumulation of trust erosion, institutional inefficiency, and failures in accountability mechanisms. This article aims to extract the implications of the complex social systems approach for rethinking security governance in the Islamic Republic of Iran. The research is theoretical, analytical, and policy-oriented in its approach, and employs a single-round structured expert survey to enhance the contextual validity of the framework. In this study, 34 propositions drawn from the proposed security governance model were assessed by 18 experts across two dimensions: importance and feasibility. The overall mean for importance was 4.69 out of 5, and for feasibility 3.79 out of 5. Findings indicate that the overall orientation of the framework is valid from the experts' perspective, but its implementation requires indicator development, phasing of responses, and institutional capacity-building. Based on the integration of complexity theory, security governance, and governance social capital, five key implications are proposed: understanding security as a system state, attention to the feedback of intervention, identifying crisis thresholds, governance social capital as security system resilience capacity, and moving toward learning and adaptive governance.

Keywords: Complex Systems Theory; Security Governance; Governance Social Capital.

1. Associate Professor, Faculty of National Security, Supreme National Defense University, Tehran, Iran asgari_researcher@yahoo.com
2. Corresponding Author: PhD Student in Theoretical Cultural Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran alimardani94@ut.ac.ir

فصلنامه حکمرانی متعالی
سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۴۰۵
مقالهٔ پژوهشی، از صفحه ۸۷ تا ۱۰۴

دلالت‌های رویکرد سیستم‌های پیچیده اجتماعی برای حکمرانی امنیت در جمهوری اسلامی ایران

محمود عسگری[۱]، محمدحسین علیمردانی[۲]

دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱

چکیده

در بسیاری از تحلیل‌های امنیتی، مسئله امنیت همچنان بیش از اندازه با «رخداد» فهم می‌شود؛ درحالی‌که بسیاری از تهدیدهای داخلی محصول انباشت تدریجی فرسایش اعتماد، ناکارآمدی نهادی و اختلال در سازوکارهای پاسخگویی است. هدف این مقاله استخراج دلالت‌های رویکرد سیستم‌های پیچیده اجتماعی برای بازاندیشی در حکمرانی امنیت در جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش از نظر رویکرد، نظری، تحلیلی و سیاست‌پژوهانه است و برای افزایش اعتبار زمینه‌ای چارچوب، از پیمایش خبرگانیِ ساختاریافته تک‌دوره‌ای استفاده شده است. در این پژوهش ۳٤ گزاره برگرفته از الگوی پیشنهادی حکمرانی امنیت توسط ۱۸ خبره در دو بُعد اهمیت و امکان‌پذیری ارزیابی شد. میانگین کل اهمیت مؤلفه‌ها ٤.٦۹ از پنج و میانگین امکان‌پذیری ۳.۷۹ از پنج است. یافته‌ها نشان داد که جهت‌گیری کلی چارچوب از دید خبرگان معتبر است، اما اجرای آن نیازمند شاخص‌سازی، مرحله‌بندیِ پاسخ‌ها و ظرفیت‌سازی نهادی است. بر اساس تلفیق نظریه سیستم‌های پیچیده، حکمرانی امنیتی و سرمایه اجتماعی حکمرانی، پنج دلالت اصلی پیشنهاد شد: فهم امنیت به‌مثابه وضعیت سیستم، توجه به بازخورد مداخله، شناسایی آستانه‌های بحران، سرمایه اجتماعی حکمرانی به‌مثابه ظرفیت بازیابی سیستم امنیت، و حرکت به‌سوی حکمرانی یادگیرنده و انطباق‌پذیر

واژگان کلیدی: نظریه سیستم‌های پیچیده، حکمرانی امنیتی، سرمایه اجتماعی حکمرانی

۱. دانشیار، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران asgari_researcher@yahoo.com
۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی نظری، دانشگاه تهران، تهران، ایران
alimardani94@ut.ac.ir

مقدمه

امنیت داخلی در بسیاری از تحلیل‌های رسمی، سیاستی و حتی دانشگاهی، هنوز بیش از اندازه با «رخداد» فهم می‌شود. در این نگاه، مسئله امنیت زمانی آغاز می‌شود که حادثه‌ای قابل مشاهده رخ دهد: اعتراض، خشونت، حمله سایبری، اختلال رسانه‌ای، بی‌نظمی شهری یا اقدام سازمان‌یافته علیه نظم عمومی؛ سپس دستگاه حکمرانی تلاش می‌کند رخداد را شناسایی، مهار یا پایان دهد. این منطق در مدیریت فوری بحران ضروری است؛ هیچ نظام حکمرانی نمی‌تواند نسبت به رخدادهای بالفعل بی‌تفاوت باشد. با این حال، اگر رخداد به واحد اصلی تحلیل امنیت تبدیل شود، بخش مهمی از سازوکارهای تولید ناامنی نادیده می‌ماند.

بسیاری از تهدیدهای امنیت داخلی در جهان معاصر و به‌ویژه در جوامعی که با تحولات سریع فناورانه، رسانه‌ای، اقتصادی و فرهنگی روبه‌رو هستند، تنها از یک محرک منفرد پدید نمی‌آید. آن‌ها به‌طور معمول حاصل انباشت تدریجی نارضایتی، کاهش اعتماد، اختلال در شبکه‌های ارتباطی، ناسازگاری روایت رسمی و تجربه زیسته، ضعف هماهنگی نهادی، احساس بی‌عدالتی یا ناکارآمدی سازوکارهای شنیدن و پاسخگویی است. در چنین وضعیتی، رخداد امنیت بیشتر «نشانه» است تا «علت». رخداد لحظه‌ای است که وضعیت زیرین خود را آشکار می‌کند، نه الزاماً لحظه‌ای که بحران در آن تولید شده است.

نظریه سیستم‌های پیچیده از همین نقطه برای حکمرانی امنیت اهمیت پیدا می‌کند. این نظریه یادآوری می‌کند که در سیستم‌های اجتماعی، پیامدها همیشه متناسب با ورودی‌ها نیست؛ اجزای سیستم به‌صورت متقابل بر هم تأثیر می‌گذارند؛ مداخله در یک نقطه می‌تواند پیامدهایی در نقاط دیگر ایجاد کند؛ اعتماد، ادراک، روایت، رسانه و نهادها می‌توانند حلقه‌های بازخورد بسازند و بحران‌ها ممکن است پس از عبور از یک آستانه، با حذف محرک اولیه نیز به وضعیت پیشین باز نگردند (Cairney, 2012; Duit & Galaz, 2008; Geyer & Rihani, 2010)؛ بنابراین، حکمرانی امنیت در محیط پیچیده با ماشین مکانیکی روبه‌رو نیست که با فشاردادن اهرم، نتیجه‌ای کاملاً قابل پیش‌بینی به‌دست آید؛ بلکه با شبکه‌ای چندلایه، حساس و بازخوردی روبه‌رو است.

در جمهوری اسلامی ایران، این بحث اهمیت ویژه‌ای دارد. ایران با مجموعه‌ای از تهدیدهای چندسطحی روبه‌رو است: فشارهای ژئوپلیتیکی، جنگ شناختی و رسانه‌ای، تحریم اقتصادی، شکاف‌های اجتماعی، مسئله سرمایه اجتماعی، فاصله میان حاکمیت و جامعه، تهدیدهای سایبری،

بحران‌های زیست‌محیطی و رقابت روایت‌ها در فضای مجازی. این تهدیدها نه تنها امنیتی است، نه صرفاً اقتصادی، نه صرفاً فرهنگی و نه صرفاً رسانه‌ای؛ بلکه معمولاً میان این حوزه‌ها حرکت می‌کنند و از یک بخش به بخش دیگر سرریز می‌شوند. در این مقاله، «سرمایه اجتماعی حکمرانی» به ذخیره‌ای از اعتماد نهادی، مشروعیت ادراک‌شده، عدالت رویه‌ای، ارتباط معتبر و آمادگی جامعه برای همکاری با نهادهای عمومی اشاره دارد.

پرسش اصلی مقاله این است: «نظریه سیستم‌های پیچیده چه دلالت‌هایی برای بازاندیشی در حکمرانی امنیت در جمهوری اسلامی ایران دارد؟»

پاسخ مقاله این نیست که نظریه پیچیدگی به‌تنهایی می‌تواند همه مسائل امنیت را توضیح دهد؛ همچنین مقاله مدعی ارائه الگوی ریاضی، نظریه جدید یا مطالعه موردی تجربی کامل نیست. سهم مقاله محدودتر است: استخراج پنج دلالت تحلیلی از نظریه سیستم‌های پیچیده برای حکمرانی امنیت و اعتبارسنجی زمینه‌ای آن‌ها با اتکا به یافته‌های پیمایش خبرگانیِ ساختاریافته تک‌دوره‌ای درباره الگوی جامعه‌شناختی حکمرانی امنیت در ایران.

این پنج دلالت عبارت است از: نخست، امنیت داخلی باید به‌مثابه وضعیت سیستم فهم شود، نه تنها رخداد؛ دوم، مداخله امنیتی تأثیر خطی ندارد و می‌تواند بازخوردهای فرساینده یا ترمیمی ایجاد کند؛ سوم، بحران‌ها آستانه دارند و پس از عبور از آستانه، بازگشت به وضعیت پیشین دشوارتر می‌شود؛ چهارم، سرمایه اجتماعی حکمرانی نقش ظرفیت بازیابی سیستم امنیت را دارد و پنجم، حکمرانی امنیت باید یادگیرنده، چندشبکه‌ای، تطبیقی و ترمیم‌محور باشد.

اهمیت نظری این مقاله در پر کردن شکاف میان سه حوزه نسبتاً جدا از یکدیگر است: از یک سو، رویکردهای رایج حکمرانی امنیت بیشتر دولت‌محور، کنترل‌گرا و مبتنی بر قدرت سخت است (Kirchner & Sperling, 2008; Rhodes, 1996) و هرچند برای مهار تهدیدهای سازمان‌یافته ضروری است، اما در تبیین بازخوردهای اجتماعی مداخله و نقش سرمایه اجتماعی حکمرانی ناتوان است. ازسوی دیگر، نظریه سیستم‌های پیچیده ابزارهای تحلیلی قدرتمندی مانند بازخورد، آستانه و ظرفیت بازیابی را فراهم می‌کند (Jervis, 1997; Meadows, 2008; Scheffer, 2009)، اما خود تعیین نمی‌کند کدام متغیرها در حکمرانی امنیت محوری است.

ساختار مقاله به این صورت است: بخش دوم، مبانی نظری بحث را از راه مرور تحلیلی ادبیات مرتبط بازسازی می‌کند. بخش سوم، روش، حدود ادعا و منطق اعتبارسنجی خبرگانی را توضیح

می‌دهد. بخش چهارم به تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌های پژوهش اختصاص دارد. بخش پنجم به نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی می‌پردازد.

مبانی نظری

پیشینه و سابقه پژوهش

مطالعات حکمرانی امنیت طی دو دهه اخیر به‌سمت رویکردهای چندبازیگری و شبکه‌ای تحول یافته است. افتخاری (۱۳۸۰) با بررسی ساخت اجتماعی امنیت، ضرورت توجه به جامعه‌شناسی امنیت را در ایران مطرح کرد. عسگری (۱۴۰۲) حکمرانی امنیتی ولایی را با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری(قدس‌سره) تبیین کرده است. در سطح بین‌الملل، رودز[1] (۱۹۹۶) مفهوم «حکمرانی بدون دولت» را مطرح ساخت. کویمان[2] (۲۰۰۳) حکمرانی را به‌مثابه فرایند تعامل میان بازیگران متعدد تعریف کرد. کیرچنر و اسپرلینگ[3] (۲۰۰۸) امنیت اتحادیه اروپا را در قالب رویکردهای حکمرانی تحلیل کردند. در حوزه نظریه پیچیدگی، کارنی[4] (۲۰۱۲)، دوییت و گالاز[5] (۲۰۰۸) و جی‌یر و ریهانی[6] (۲۰۱۰) تلاش کردند تا این نظریه را برای سیاست‌گذاری عمومی عملیاتی کنند. در حوزه سرمایه اجتماعی، پیوتنام[7] (۱۹۹۳)، تیلور[8] (۲۰۰۶) و لونتال[9] (۱۹۸۰) نقش اعتماد، مشروعیت و عدالت رویه‌ای را در ثبات سیاسی روشن ساختند. با این حال، پژوهشی که این سه حوزه را در چارچوب سیستمی پیچیده برای حکمرانی امنیت در ایران ترکیب کند، تاکنون انجام نشده است.

حکمرانی امنیت

حکمرانی امنیت مفهومی گسترده‌تر از مدیریت امنیت یا اجرای سیاست امنیت است. در معنای محدود، امنیت ممکن است به شناسایی تهدید، تخصیص مسئولیت به نهادهای تخصصی و اجرای اقدام کنترلی کاهش یابد، اما حکمرانی امنیت به شبکه‌ای از تصمیم‌ها، نهادها، رویه‌ها، روایت‌ها، اعتمادها، اطلاعات و روابط اجتماعی اشاره می‌کند که از طریق آن‌ها امنیت تولید، حفظ یا فرسوده

1. Rhodes
2. Kooiman
3. Kirchner & Sperling
4. Cairney
5. Duit & Galaz
6. Geyer & Rihani
7. Putnam
8. Tyler
9. Leventhal

می‌شود. در این نگاه، امنیت فقط محصول قدرت سخت یا مداخله انتظامی نیست؛ بلکه حاصل رابطه میان دولت، جامعه، نهادهای رسمی، نهادهای اجتماعی، رسانه‌ها و شهروندان است (Kooiman, 2003; Rhodes, 1996; Kirchner & Sperling, 2008). این نگاه برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بسیاری از مسائل امنیت داخلی از نقطه‌ای آغاز می‌شود که در ابتدا لزوماً امنیت نیست: معیشت، محیط زیست، آموزش، سلامت، رسانه، سبک زندگی، عدالت منطقه‌ای یا احساس شنیده‌نشدن. اگر این مسائل در مراحل اولیه از مسیرهای اجتماعی، سیاستی و ارتباطی حل نشود، ممکن است به‌تدریج معنای امنیت پیدا کند؛ بنابراین، حکمرانی امنیت شامل توانایی تشخیص نشانه‌های ضعیف، شنیدن داده‌های اجتماعی، اصلاح سیاست‌های خطازا، ترمیم اعتماد و جلوگیری از امنیتی‌شدن غیر ضروری مسائل اجتماعی نیز هست (افتخاری، ۱۳۸۰؛ عسگری، ۱۴۰۲).

این ملاحظه با نظریه امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ هم‌سو است؛ بر اساس این نظریه، امنیت کنشی گفتاری است و مسائل از راه فرایند امنیتی‌سازی به حوزه امنیت منتقل می‌شود. از این‌رو، تشخیص مرز امنیتی‌سازیِ زودهنگام یا دیرهنگام خود به بخشی از حکمرانی امنیت بدل می‌شود (Buzan, Wæver, & de Wilde, 1998; Balzacq, 2011).

نظریه سیستم‌های پیچیده

نظریه سیستم‌های پیچیده بر چند ایده اصلی استوار است: اجزا به‌صورت متقابل بر هم تأثیر می‌گذارند؛ پیامدهای کل سیستم از جمع ساده رفتار اجزا بیشتر است؛ روابط علت و معلولی همیشه خطی نیست؛ تغییرات کوچک گاهی پیامدهای بزرگ ایجاد می‌کند؛ سیستم‌ها دارای بازخورد هستند؛ برخی وضعیت‌ها پس از عبور از آستانه به‌سختی باز می‌گردند و یادگیری، سازگاری و تاب‌آوری برای بقا در محیط‌های ناپایدار اهمیت دارد (Cairney, 2012; Duit & Galaz, 2008; Geyer & Rihani, 2010).

در این مقاله، نظریه سیستم‌های پیچیده نه به‌عنوان نظریه‌ای کامل برای امنیت، بلکه به‌عنوان منبعی برای استخراج دلالت‌های حکمرانی استفاده می‌شود. پنج مفهوم از این نظریه به‌این منظور اهمیت بیشتری دارد: وضعیت سیستم، بازخورد، آستانه، ظرفیت بازیابی و یادگیری تطبیقی. هر کدام از این مفاهیم به یک دلالت امنیت تبدیل می‌شود. وضعیت سیستم به ما می‌گوید که امنیت را باید در رابطه میان اجزا دید. بازخورد نشان می‌دهد که مداخله امنیت می‌تواند پیامدهای ثانویه و برگشتی داشته باشد. آستانه یادآوری می‌کند که بحران‌ها همیشه با حذف محرک اولیه پایان نمی‌یابد. ظرفیت بازیابی

نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی حکمرانی، منابع عملکردی امنیت هستند. یادگیری تطبیقی نیز نشان می‌دهد که حکمرانی امنیت باید بتواند از خطاها، داده‌های اجتماعی و پیامدهای ناخواسته خود بیاموزد.

سرمایه اجتماعی حکمرانی

آنچه در بحران‌های امنیتی اهمیت دارد، مجموعه‌ای شامل اعتماد نهادی، مشروعیت ادراک‌شده، عدالت رویه‌ای، ارتباط معتبر و همکاری اجتماعی است. این مجموعه را می‌توان «سرمایه اجتماعی حکمرانی» نامید که ناظر به کیفیت رابطه میان جامعه و نهادهای عمومی است.

«اعتماد نهادی» به سطحی از اعتماد اشاره می‌کند که شهروندان نسبت به نهادهای عمومی دارند و تعیین می‌کند تا چه حد پیام‌های رسمی و مداخلات امنیتی قابل اعتماد ارزیابی می‌شوند (Mishler & Rose, 2001; Smith & Brooks, 2013). «مشروعیت ادراک‌شده» به «کیفیتی که یک مرجع دارد و دیگران به‌سبب آن خود را ملزم به پذیرش دستورات آن احساس می‌کنند.» تعریف می‌شود (Tyler, 2006). «عدالت رویه‌ای» بیان می‌کند که شهروندان نه‌فقط به نتیجه تصمیم، بلکه به‌شیوه تصمیم‌گیری، چگونگی برخورد، امکان شنیده‌شدن، احترام، شفافیت و بی‌طرفی توجه می‌کنند (Leventhal, 1980; Tyler, 2006). «ارتباط معتبر» به شفافیت، صحت و به‌موقع‌بودن اطلاعاتی اشاره می‌کند که نهادهای عمومی با شهروندان به اشتراک می‌گذارند (Boda, 2013). «آمادگی برای همکاری» به تمایل شهروندان به مشارکت داوطلبانه در اقدامات جمعی اشاره می‌کند (Putnam, 1993).

سرمایه اجتماعی حکمرانی با سرمایه اجتماعی عمومی تفاوت دارد. سرمایه اجتماعی عمومی معمولاً به شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد درون جامعه اشاره می‌کند (Putnam, 1993; Coleman, 1988)، اما سرمایه اجتماعی حکمرانی ناظر به کیفیت رابطه میان جامعه و نهادهای عمومی است. در ادبیات تاب‌آوری و ظرفیت تطبیقی، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی ظرفیت بازیابی سیستم‌های اجتماعی شناخته شده است (Khadka, 2024; Clercq-Roques, Chapagain, & Hochrainer-Stigler, 2026).

جمع‌بندی: شکاف مشترک سه ادبیات

هر کدام از این موارد قطعه‌ای از چرخه‌ای ناتمام را می‌بینند. حکمرانی امنیت توضیح می‌دهد که امنیت در شبکه روابط دولت، جامعه و نهادها تولید می‌شود، اما الگوی پویایی برای این رابطه ارائه نمی‌دهد. نظریه پیچیدگی ابزار پویا را فراهم می‌کند (بازخورد، آستانه، ظرفیت بازیابی)، اما خودش

تعیین نمی‌کند کدام متغیرها در حکمرانی امنیت محوری هستند. سرمایه اجتماعی حکمرانی اگرچه نشان می‌دهد که اعتماد نهادی، مشروعیت ادراک‌شده، عدالت رویه‌ای، ارتباط معتبر و آمادگی برای همکاری چگونه ظرفیت بازیابی سیستم امنیت را تعیین می‌کند، اما به‌تنهایی نمی‌تواند نشان دهد که این مؤلفه‌ها در یک سیستم پیچیده چگونه با یکدیگر تعامل می‌کنند و چگونه مداخله امنیتی می‌تواند بازخوردهای فرساینده یا ترمیمی ایجاد کند. این مقاله با تلفیق این سه حوزه این شکاف را هدف قرار می‌دهد.

روش پژوهش

این مقاله از نظر روش‌شناختی، پژوهشی نظری ـ تحلیلی و سیاست‌پژوهانه است. مقاله در پی آن است که از نظریه سیستم‌های پیچیده، مجموعه‌ای از دلالت‌های قابل استفاده برای حکمرانی امنیت استخراج کند و آن‌ها را درباره جمهوری اسلامی ایران به زبان تحلیلی و سیاستی ترجمه کند؛ بنابراین، مقاله را باید در سنت پژوهش‌های مفهومی و چارچوب‌ساز قرار داد؛ پژوهش‌هایی که هدف آن‌ها بازتنظیم مفهومی مسئله و فراهم‌کردن زبان تحلیلیِ افزوده برای پژوهش‌ها و سیاست‌گذاری‌های بعدی است. منطق استدلال مقاله بر سه گام استوار است: در گام نخست، ادبیات مرتبط در سه حوزه مرور و بازسازی می‌شود. در گام دوم، پنج دلالت نظریه پیچیدگی برای حکمرانی امنیت استخراج می‌شود و در گام سوم، این دلالت‌ها با یافته‌های پیمایش خبرگانی پشتیبانی می‌شود.

برای کاهش محدودیت نظری‌بودن مقاله و افزایش اعتبار زمینه‌ای دلالت‌های پیشنهادی در بستر جمهوری اسلامی ایران، مقاله از یافته‌های پیمایش خبرگانیِ ساختاریافته تک‌دوره‌ای استفاده می‌کند. این پیمایش با هدف اعتبارسنجی محتوایی و پالایش اولیه الگوی جامعه‌شناختی حکمرانی امنیت انجام شده است، نه برای آزمون آماری فرضیه یا دستیابی به اجماع چندمرحله‌ای. پیمایش خبرگانیِ ساختاریافته در این پژوهش بر سنت روش‌شناختی دلفی استوار است. دلفی از روش‌های شناخته‌شده برای گردآوری و پالایش داوری خبرگان درباره مسائل پیچیده و چندبعدی است؛ به‌ویژه زمانی که داده‌های قطعی کمّی در دسترس نیست یا هدف پژوهش، اعتبارسنجی محتوایی و دستیابی به اجماع نسبی میان متخصصان است (Dalkey & Helmer, 1963; Hsu & Sandford, 2007; Avella, 2016). تفاوت این کار با دلفی کلاسیک در آن است که فرایند در یک دور و بدون چرخه بازخورد و همگراییِ دوباره انجام شده است.

در مرحله نظری، بر اساس مرور ادبیات حکمرانی امنیت، نظریه سیستم‌ها و سرمایه اجتماعی حکمرانی، الگوی اولیه‌ای از حکمرانی امنیت مبتنی بر رویکرد پیچیدگی اجتماعی طراحی شد؛ سپس این الگو به ۳٤ گزاره پرسشنامه تبدیل شد. جامعه آماری این پژوهش شامل متخصصان دارای تجربه اجرایی یا پژوهشی در حوزه‌های امنیت، حکمرانی، جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، رسانه و سیاست‌گذاری اجتماعی است. حجم نمونه ۱۸ نفر است که هر گزاره را در دو بُعد «اهمیت» و «امکان‌پذیری» ارزیابی کردند.

روش نمونه‌گیری «هدفمند و معیارمحور» بود. در نمونه‌گیری هدفمند، افراد بر اساس ارتباط مستقیم با موضوع و توانایی ارائه داده معتبر انتخاب می‌شوند (Palinkas et al., 2015). معیارهای ورود خبرگان به پانل شامل موارد زیر بود: ۱. آشنایی علمی یا اجرایی با حوزه امنیت و حکمرانی؛ ۲. سابقه پژوهش یا تجربه سیاستی در حوزه‌های مرتبط؛ ۳. توانایی داوری درباره مؤلفه‌های نظری و عملی الگو؛ ٤. شناخت نسبی از زمینه جمهوری اسلامی ایران؛ ۵. آمادگی برای مشارکت در ارزیابی و ارائه پیشنهادهای اصلاحی. برای کاهش خطر یک‌جانبه‌شدگی، اصل تنوع در انتخاب خبرگان رعایت شده است و افراد از حوزه‌های امنیت سیاسی، حکمرانی امنیتی، جامعه‌شناسی امنیت، رسانه، حقوق، اقتصاد، محیط زیست، فضای مجازی و مطالعات اسلامی انتخاب شده‌اند.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه ساختاریافته‌ای بود که روایی محتوایی آن از طریق مرور نظام‌مند ادبیات و بازبینی اعضای پانل تأمین شد. هدف از پیمایش خبرگانی سنجش اعتبار محتوایی، شناسایی ابهام‌ها و تشخیص شکاف میان اهمیت نظری و امکان‌پذیری اجرایی مؤلفه‌های حکمرانی امنیت بود. داده‌ها با محاسبه میانگین و درصد توافق در دو بُعد اهمیت و امکان‌پذیری تجزیه و تحلیل شد (آستانه توافق: نمره ٤ یا ۵ توسط حداقل ۷۰ درصد خبرگان).

بر این اساس، یافته‌های پیمایش خبرگانی در این مقاله سه نقش دارد: نخست، نشان می‌دهد که دلالت‌های نظری مقاله با نیازهای تشخیص‌داده‌شده خبرگان در حکمرانی امنیت ایران همسو است؛ دوم، نشان می‌دهد که مهم‌ترین مانع نه ضعف نظری چارچوب، بلکه شکاف میان اهمیت و امکان‌پذیری اجرایی است؛ سوم، مقاله را از سطح بحث نظری انتزاعی به سطح چارچوبی زمینه‌مند و قابل پالایش برای سیاست‌گذاری امنیت در ایران نزدیک می‌کند.

بیانیه دسترسی به داده‌ها: به‌دلیل ماهیت تخصصی داده‌ها و ضرورت حفظ محرمانگی هویت خبرگان، داده خام به‌صورت عمومی منتشر نمی‌شود. با این حال، ساختار کلی ابزار پیمایش، تعداد گزاره‌ها، تعداد خبرگان، ابعاد سنجش و نتایج تجمیعی در متن مقاله گزارش شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

پانل خبرگانی این پژوهش از ۱۸ نفر تشکیل شده است. مشخصات کلی اعضای پانل در جدول شماره ۱، و توزیع حوزه تخصصی آنان در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۱. مشخصات کلی اعضای پانل پیمایش خبرگانی

حوزه تخصصی اصلی	تعداد
حکمرانی امنیتی، امنیت سیاسی و سیاست‌گذاری امنیتی	٦
امنیت اجتماعی، هویت، سرمایه اجتماعی و رسانه	٤
امنیت اسلامی، عدالت، ولایت و گفتمان انقلاب اسلامی	۳
امنیت زیست محیطی، اقلیم، مهاجرت و نابرابری فضایی	۳
امنیت فضای مجازی، تهدیدهای سایبری و جنگ شناختی	۱
حقوق امنیتی و جرایم علیه امنیت	۱
جمع	۱۸

جدول ۲. توزیع حوزه تخصصی خبرگان

شاخص	طبقه	مقدار
جنسیت	مرد	۱۷
	زن	۱
مرتبه علمی	استاد	۹
	دانشیار	۷
	استادیار	۲
گستره جغرافیایی	تهران	١٦
	قم	۱
	خراسان رضوی	۱

نتایج نشان داد که میانگین کل اهمیت مؤلفه‌های الگو ٤.٦٩ از پنج و میانگین کل امکان‌پذیری ۳.۷۹ از پنج بوده است. این فاصله نشان می‌دهد که خبرگان جهت‌گیری نظری الگو را معتبر و ضروری می‌دانند، اما اجرای آن را وابسته به بسترسازی، ظرفیت نهادی، هماهنگی میان‌بخشی و مرحله‌بندی سیاستی ارزیابی کرده‌اند. خلاصه آماری کلی پیمایش در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. خلاصه آماری کلی پیمایش خبرگانی

میانگین اهمیت	میانگین امکان‌پذیری	توافق اهمیت	توافق امکان‌پذیری	شکاف اجرا	امتیاز ترکیبی
٤/٦٩	۳/۷۹	٪۹۹	٪٦٤/۹	۰/۸۹	٤/۲٤

در این جدول، «درصد توافق»، نسبت خبرگانی است که نمره ٤ یا ۵ داده‌اند (آستانه ۷۰ درصد)؛ «امتیاز ترکیبی»، میانگین ساده اهمیت و امکان‌پذیری است و «شکاف اجرا»، اختلاف این دو است. نسبت یافته‌های کمّی پیمایش با دلالت‌های نظری مقاله در جدول شماره ٤ تشریح شده است.

جدول ٤. نسبت یافته‌های پیمایش خبرگانی با دلالت‌های مقاله

یافته	معنای تحلیلی	دلالت مرتبط
میانگین اهمیت مؤلفه‌ها ٤/٦٩ از ۵	خبرگان جهت‌گیری کلی الگوی حکمرانی امنیت را ضروری و معتبر ارزیابی کرده‌اند.	همه دلالت‌ها
میانگین امکان‌پذیری ۳/۷۹ از ۵	اجرای دلالت‌ها نیازمند مرحله‌بندی ظرفیت‌سازی و اصلاح نهادی است.	حکمرانی یادگیرنده و مرحله‌ای
تأکید بر چندسطحی‌بودن امنیت	امنیت نباید به رخداد یا پاسخ انتظامی کاهش یابد.	امنیت به‌مانند وضعیت سامانه
تأکید بر عملیاتی‌سازی سرمایه اجتماعی حکمرانی	اعتماد نهادی، مشروعیت ادراک‌شده، عدالت رویه‌ای، ارتباط معتبر و مشارکت عمومی باید شاخص‌گذاری شود.	سرمایه اجتماعی حکمرانی به‌مانند ظرفیت بازیابی
پیشنهاد نظام امتیازدهی تهدید	تشخیص تهدید باید بر اساس گستره تأثیر، تداوم سرایت، شدت و فرسایش سرمایه اجتماعی انجام شود.	ابزار تشخیصی و آستانه بحران
جداسازی پاسخ‌ها به فوری، میان‌مدت و بلند مدت	حکمرانی امنیت باید مرحله‌بندی‌شده و یادگیرنده باشد.	حکمرانی یادگیرنده

دلالت اول: امنیت داخلی به‌مثابه وضعیت سیستم، نه صرف رخداد

نخستین دلالت نظریه سیستم‌های پیچیده آن است که امنیت داخلی را نباید تنها به رخدادهای قابل مشاهده کاهش داد. در نگاه رخدادمحور، سیاست‌گذار با این پرسش شروع می‌کند: «چه اتفاقی افتاده است و چگونه باید مهار شود؟» اما در نگاه سیستمی، پرسش عمیق‌تر این است: «چه پیکربندی‌ای از رابطه دولت، جامعه، نهادها، رسانه، اقتصاد و اعتماد، این رخداد را ممکن کرده است؟» در نگاه سیستمی، امنیت داخلی یک وضعیت رابطه‌ای است که از تعامل متغیرهای گوناگون شکل می‌گیرد (Jervis, 1997; Scheffer, 2009; Meadows, 2008). برای حکمرانی امنیت در ایران، این دلالت به‌معنای ضرورت عبور از «امنیت پس از حادثه» به «امنیت پیش از حادثه» است.

دلالت دوم: مداخله امنیت تأثیر خطی ندارد؛ بازخورد فرساینده و ترمیمی تولید می‌کند.

دومین دلالت آن است که مداخله در سیستم اجتماعی تأثیر علّیِ خطی، مستقیم و کاملاً قابل پیش‌بینی ندارد. گاهی مداخله بیشتر، تهدید را کاهش می‌دهد؛ گاهی آن را جابه‌جا می‌کند و گاهی به‌واسطه تأثیرات ادراکی و ارتباطی، آن را تشدید می‌کند» (Jervis, 1997; Meadows, 2008). بازخورد فرساینده» زمانی شکل می‌گیرد که مداخله امنیتی، حتی اگر از نظر کوتاه‌مدت موفق باشد، در بلندمدت اعتماد، مشروعیت یا همکاری اجتماعی را کاهش دهد. «بازخورد ترمیمی» برعکس زمانی شکل می‌گیرد که مداخله امنیت افزون بر مهار خطر، پیام احترام، تناسب، پاسخگویی و اصلاح را نیز منتقل کند (Börzel & Risse, 2021; Lockey, 2022).

دلالت سوم: بحران‌ها آستانه دارند؛ حذف محرک اولیه همیشه کافی نیست.

سومین دلالت آن است که برخی بحران‌ها دارای آستانه هستند. آستانه نقطه‌ای است که پس از آن، رفتار سیستم تغییر کیفی پیدا می‌کند و بازگشت به وضعیت پیشین دشوارتر می‌شود (Scheffer, 2009). پیش از آستانه، بحران هنوز حول «موضوع» می‌چرخد؛ پس از آستانه، بحران حول «رابطه» شکل می‌گیرد. وقتی بحران به سطح رابطه منتقل شد، حذف محرک اولیه ممکن است لازم باشد، اما کافی نیست (Tyler, 2006; Mazerolle et al., 2013). این وضعیت را می‌توان با مفهوم «هیسترزیس» توضیح داد، یعنی سیستم پس از تغییر وضعیت، حتی با حذف عامل اولیه، فوراً به وضعیت پیشین باز نمی‌گردد (Scheffer, 2009).

دلالت چهارم: سرمایه اجتماعی حکمرانی به‌مثابه ظرفیت بازیابی سیستم امنیت

چهارمین دلالت آن است که ظرفیت بازیابی سیستم امنیت فراتر از توان سازمانی، منابع مادی یا قدرت کنترلی دولت است. سرمایه اجتماعی حکمرانی متشکل از اعتماد نهادی، مشروعیت ادراک‌شده، عدالت رویه‌ای، ارتباط معتبر و آمادگی برای همکاری نقشی تعیین‌کننده دارد (Tyler, 2006; Mishler & Rose, 2001; Putnam, 1993). در ادبیات تاب‌آوری، ظرفیت بازیابی به توانایی هر سیستم برای جذب اختلال، حفظ کارکردهای اساسی و بازگشت به تعادل پس از شوک تعریف شده است (Holling, 1973; Folke, 2006). جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی حکمرانی مطلوبی دارد، در برابر شایعه، جنگ شناختی و بحران ناگهانی مقاوم‌تر است؛ جامعه‌ای که این سرمایه را از دست داده باشد، حتی با کوچک‌ترین اختلالی وارد آبشاری از ناامنی‌های فزاینده می‌شود (Khadka, 2024).

دلالت پنجم: حکمرانی امنیت باید یادگیرنده و ترمیم‌محور باشد.

پنجمین دلالت آن است که حکمرانی امنیت در محیط پیچیده نمی‌تواند صرفاً فرماندهی متمرکز، واکنش فوری و کنترل خطی باشد. چنین حکمرانی‌ای به توانایی یادگیری، دریافت داده از شبکه‌های گوناگون، اصلاح خطا و ترمیم رابطه نیاز دارد (Meadows, 2008). حکمرانی ترمیم‌محور یعنی هدف امنیت فقط پایان‌دادن به اختلال نیست؛ بازسازی رابطه آسیب‌دیده نیز بخشی از امنیت است. اگر پس از هر بحران، شهروندان احساس کنند که مسئله‌شان شنیده نشده، خطاها پذیرفته نشده یا رویه‌ها اصلاح نشده است، بحران ممکن است در حافظه اجتماعی باقی بماند و در رخدادهای بعدی فعال شود (Lockey, 2022).

برای اینکه این دلالت‌ها تنها در سطح پیشنهادهای کلی باقی نماند، لازم است به ابزار تشخیصی تبدیل شود. این مقاله پیشنهاد می‌کند حکمرانی امنیت دست‌کم سه مرز را به‌صورت پیوسته ارزیابی کند: مرز تشخیص، مرز اطلاعات و مرز مداخله. یافته‌های پیمایش خبرگانی نیز با ضرورت چنین ابزار تشخیصی همسو است، چنانکه خبرگان تأکید کردند که تشخیص تهدید باید از سطح نام‌گذاری کلی فراتر رود.

جدول ۵. ابزار تشخیصی حکمرانی امنیت پیچیده

مرز	پرسش اصلی	نشانه آسیب	قاعده اصلاحی	پیامد امنیت
مرز تشخیص	مسئله چگونه نام‌گذاری می‌شود؟	امنیتی‌سازی زودهنگام یا دیرهنگام؛ تشخیص تک‌علتی	تشخیص چندلایه داده‌پذیر و قابل بازبینی	کاهش خطای تشخیص و جلوگیری از تشدید بحران
مرز اطلاعات	چه داده‌ای وارد تصمیم می‌شود؟	بسته‌شدن شبکه‌های اجتماعی؛ نادیده‌گرفتن داده نرم	چندمنبعی‌سازی داده و اتصال حسگرهای اجتماعی به تصمیم	کاهش کورشدگی امنیت و افزایش هشدار زودهنگام
مرز مداخله	پاسخ با مسئله چه نسبتی دارد؟	پاسخ نامتناسب؛ نبود مرحله‌بندی و ترمیم	مداخله متناسب مرحله‌ای، قابل توضیح و ترمیم‌پذیر	کاهش بازخورد فرساینده و افزایش سرمایه اجتماعی حکمرانی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف) نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف استخراج دلالت‌های نظریه سیستم‌های پیچیده برای حکمرانی امنیت در جمهوری اسلامی ایران نوشته شد. مسئله اصلی مقاله آن است که بسیاری از تهدیدهای امنیت داخلی ماهیتی خطی، تک‌علتی و تک‌نهادی ندارد. آن‌ها در تقاطع اقتصاد، رسانه، اعتماد، مشروعیت، نهادها، سیاست عمومی، فرهنگ، تجربه زیسته و مداخله امنیت شکل می‌گیرند؛ بنابراین، حکمرانی امنیت اگر فقط

بر رخداد، کنترل، واکنش و پاسخ‌بخشی تمرکز کند، نمی‌تواند همه سازوکارهای تولید ناامنی را ببیند (Cairney, 2012; Duit & Galaz, 2008).

مزیت اصلی رویکرد پیچیدگی‌محور آن است که نگاه را از رخداد به وضعیت منتقل می‌کند. در این رویکرد، رخداد امنیت پایان تحلیل نیست، بلکه نشانه‌ای از وضعیت زیرین نظام دولت ـ جامعه است. این جابه‌جایی به سیاست‌گذار کمک می‌کند به‌جای تمرکز صرف بر مهار حادثه، به شرایطی توجه کند که رخداد از دل آن امکان‌پذیر شده است (Jervis, 1997; Meadows, 2008).

مقاله پنج دلالت اصلی استخراج کرد: امنیت به‌مثابه وضعیت سیستم؛ مداخله امنیت به‌مثابه کنشی دارای بازخورد؛ آستانه و هیسترزیس در بحران‌های امنیتی؛ سرمایه اجتماعی حکمرانی به‌مثابه ظرفیت بازیابی سیستم امنیت؛ حکمرانی امنیت یادگیرنده، چندشبکه‌ای و ترمیم‌محور؛ سپس سه مرز تشخیصی (مرز تشخیص، مرز اطلاعات و مرز مداخله) به‌عنوان ابزار اجرایی این دلالت‌ها پیشنهاد شد. افزوده روش‌شناختی مقاله آن است که دلالت‌های نظری استخراج‌شده تنها در سطح استدلال مفهومی باقی نمانده، بلکه با یافته‌های پیمایش خبرگانیِ ساختاریافته تک‌دوره‌ای پشتیبانی شده است.

نتایج پیمایش خبرگانی نشان داد که خبرگان اهمیت کلی مؤلفه‌های الگو را بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند، اما امکان‌پذیری اجرای آن‌ها را کمتر دانسته‌اند. این شکاف نشان می‌دهد که مسئله اصلی حکمرانی امنیت در ایران، فقط فهم نظری تهدیدهای پیچیده نیست، بلکه تبدیل این فهم به سازوکارهای نهادی، شاخص‌های تشخیص، سنجه‌های اعتماد و پاسخ‌های مرحله‌بندی‌شده است.

قابل توجه است که این پژوهش با چند محدودیت روبه‌رو است. نخست، ترکیب پانل خبرگان از نظر جنسیتی (۱۷ مرد و ۱ زن) و جغرافیایی (تمرکز در تهران) متوازن نیست. دوم، ارزیابی در یک دور انجام شده است و چرخه بازخورد و همگرایی دوباره ندارد. سوم، یافته‌ها بر داوری خبرگانی متکی هستند و نه بر آزمون میدانیِ پیامدهای واقعیِ مداخله. پژوهش‌های بعدی می‌تواند با پانلی متوازن‌تر، دورهای متعدد و داده‌های میدانی این چارچوب را بیازمایند.

دلالت نهایی مقاله برای حکمرانی امنیت ایران روشن است: امنیت پایدار فقط با توان کنترل حاصل نمی‌شود، بلکه با ترکیب اقتدار، سرمایه اجتماعی حکمرانی، تشخیص دقیق، پاسخ متناسب، ارتباط معتبر، هماهنگی نهادی، مشارکت اجتماعی و یادگیری مستمر تولید می‌شود. حکمرانی امنیت در محیط پیچیده باید بتواند هم تهدیدهای واقعی را قاطعانه مهار کند و هم از تبدیل مسائل اجتماعی قابل حل به بحران‌های امنیت جلوگیری کند.

ب) پیشنهادها

دلالت سیاستی اصلی مقاله این است که حکمرانی امنیت باید از منطق «واکنش به تهدید» به منطق «مدیریت پویایی‌های امنیت‌ساز و ناامنی‌زا» حرکت کند. جدول شماره ٦ قواعد تحلیلی و دلالت‌های سیاستی برای حکمرانی امنیت در ایران را بر اساس پنج دلالت نظری استخراج‌شده ارائه می‌دهد.

جدول ٦. قواعد تحلیلی و دلالت‌های سیاستی برای حکمرانی امنیت ایران

دلالت نظری	پرسش عملیاتی	آسیب	پیشنهاد سیاستی	تأثیر مورد انتظار
امنیت به‌مانند وضعیت سامانه	رخداد نشانه کدام وضعیت زیرین است؟	تمرکز صرف بر مهار رخداد	ایجاد نظام هشدار زودهنگام اجتماعی امنیتی	تشخیص زودتر بحران و کاهش هزینه مداخله
بازخورد مداخله	این اقدام چه پیامی به سرمایه اجتماعی و روایت می‌دهد؟	بی‌توجهی به پیامد ادراکی پاسخ امنیتی	ارزیابی بازخوردی پیش از مداخله	کاهش بازخورد فرساینده و افزایش تناسب پاسخ
آستانه و هیسترزیس	مسئله هنوز در سطح موضوع است یا به سطح رابطه رسیده است؟	دیر دیدن نشانه‌های عبور از آستانه	طراحی شاخص‌های آستانه‌ای	جلوگیری از دیرهنگامی اصلاح و ترمیم
سرمایه اجتماعی حکمرانی به‌مانند ظرفیت بازیابی	کدام رکن ظرفیت بازیابی آسیب دیده است؟	انکار اهمیت مشارکت مردم	سنجش تفکیک‌شده سرمایه اجتماعی حکمرانی	افزایش تاب‌آوری اجتماعی در برابر بحران
حکمرانی یادگیرنده	پس از بحران، چه خطا و چه اصلاحی لازم است؟	گزارش اداری بدون تغییر رویه	ارزیابی اجتماعی امنیتی پس ار بحران	تبدیل بحران به یادگیری نهادی
ترمیم پس از بحران	چه رابطه‌ای پس از رخداد آسیب دیده است؟	پایان‌دادن به رخداد بدون بازسازی رابطه	طراحی شیوه‌نامه ترمیم سرمایه اجتماعی	کاهش احتمال بازگشت بحران در قالب‌های جدید

بر اساس جدول شماره ٦، نخستین اولویت سیاستی ایجاد نظام هشدار زودهنگام اجتماعی امنیتی است که داده‌های مربوط به افکار عمومی، شبکه‌های اجتماعی، اعتراضات صنفی، مشکلات خدماتی، بحران‌های محیط زیستی، نارضایتی‌های منطقه‌ای و کاهش اعتماد به رسانه رسمی را در بر گیرد.

دومین اولویت، سنجش و ترمیم سرمایه اجتماعی حکمرانی است. حکمرانی امنیتی باید بداند کدام بُعد از رابطه دولت و جامعه آسیب دیده است: اعتماد به کارآمدی، احساس عدالت، مشروعیت مداخله، اعتبار روایت رسمی، امکان شنیده‌شدن یا آمادگی برای همکاری. ترمیم سرمایه اجتماعی حکمرانی می‌تواند شامل توضیح عمومی، پذیرش خطا، اصلاح رویه، مشارکت‌دادن ذی‌نفعان و بازنگری در چگونگی مداخله باشد.

سومین اولویت، بازطراحی ارتباطات بحران بر اساس منطق بازخورد است. پیام رسمی، زمان انتشار، لحن گوینده، شفافیت و پاسخ به نگرانی‌های واقعی، همگی بر بازخورد اجتماعی تأثیر می‌گذارند.

چهارمین اولویت، تقویت هماهنگی نهادی و کاهش پاسخ‌های بخشی است.

پنجمین اولویت، مدیریت دقیق مرز امنیتی‌سازی است که هم باید از امنیتی‌سازی زودهنگام مسائل اجتماعی پرهیز کند و هم تهدیدهای واقعی را دیر تشخیص ندهد.

یافته‌های پیمایش خبرگانی نشان می‌دهد که کاربست این دلالت‌ها در ایران نیازمند بومی‌سازی نهادی و هنجاری است. دین در جامعه ایرانی لایه‌ای هنجاری، معنابخش و مشروعیت‌ساز است. رسانه نهادی دووجهی است که هم می‌تواند میدان جنگ شناختی باشد و هم ابزار گفت‌وگو و شفافیت. محیط زیست باید به‌عنوان محور میان‌بخشی امنیت فهم شود. پاسخ‌های حکمرانی باید از نظر افق زمانی جدا شود: پاسخ فوری برای مهار محدود؛ پاسخ میان‌مدت برای ترمیم اعتماد و پاسخ بلندمدت برای اصلاح ساختارهای تولیدکننده بی‌اعتمادی.

فهرست منابع

افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). ساخت اجتماعی امنیت (درآمدی بر جامعه شناسی امنیت)، **نشریه پژوهش‌های دانش انتظامی**، ۳(٤): ۲۲.

عسگری، محمود (۱٤۰۲). تبیین حکمرانی امنیتی ولایی با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری، **فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران**، ۷(۲): ۱۱۵-۱٤۲.

Refrences

Avella, J. R. (2016). Delphi panels: Research design, procedures, advantages, and challenges. **International Journal of Doctoral Studies**, 11, 305-321. https://doi.org/10.28945/3561

Balzacq, T. (2011). **Securitization theory: How security problems emerge and dissolve**. Routledge.

Boda, Z. (2013). Some notes on fairness, trust and good governance. **Iustum Aequum Salutare**, 9(2), 9-19.

Borzel, T. A., & Risse, T. (2021). **Conclusions. In Effective governance under anarchy** (pp. 249-287). Cambridge University Press.

Buzan, B., Waever, O., & de Wilde, J. (1998). Security: A new framework for analysis. Lynne Rienner.

Cairney, P. (2012). Complexity theory in political science and public policy. **Political Studies Review**, 10(3), 346-358. https://doi.org/10.1111/j.1478-9302.2012.00270.x

Clercq-Roques, R., Chapagain, D., & Hochrainer-Stigler, S. (2026). **Enhancing community flood adaptation by leveraging interdependencies between resilience capitals: A global empirical analysis**. Mitigation and Adaptation Strategies for Global Change, 31(4), Article 36.

Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. **American Journal of Sociology**, 94, S95-S120.

Colquitt, J. A., Greenberg, J., & Zapata-Phelan, C. P. (2005). **What is organizational justice? A historical overview**. In J. Greenberg & J. A. Colquitt (Eds.) , Handbook of organizational justice (pp. 3-56). Lawrence Erlbaum.

Dalkey, N., & Helmer, O. (1963). An experimental application of the Delphi method to the use of experts. **Management Science**, 9(3), 458-467. https://doi.org/10.1287/mnsc.9.3.458

Duit, A., & Galaz, V. (2008). Governance and complexity: Emerging issues for governance theory. **Governance**, 21(3), 311-335. https://doi.org/10.1111/j.1468-0491.2008.00402.x

Folke, C. (2006). Resilience: The emergence of a perspective for social-ecological systems analyses. **Global Environmental** Change, 16(3), 253-267. https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2006.04.002

Geyer, R., & Rihani, S. (2010). **Complexity and public policy: A new approach to twenty-first century politics**, policy and society. Routledge.

Glass, J., McMorran, R., Currie, M., McKee, A., Pinker, A., Reed, M., Meador, E., & Markantoni, M. (2022). **Translating community resilience theory into practice: A deliberative Delphi approach**. Sociologia Ruralis. https://doi.org/10.1111/soru.12397

Hasson, F., Keeney, S., & McKenna, H. (2000). Research guidelines for the Delphi survey technique. **Journal of Advanced Nursing**, 32(4), 1008-1015. https://doi.org/10.1046/j.1365-2648.2000.01567.x

Holling, C. S. (1973). **Resilience and stability of ecological systems**. Annual Review of Ecology and Systematics, 4, 1-23.

Hsu, C.-C., & Sandford, B. A. (2007). **The Delphi technique: Making sense of consensus**. Practical Assessment, Research, and Evaluation, 12(10), 1-8. https://doi.org/10.7275/pdz9-th90

Jervis, R. (1997). **System effects: Complexity in political and social life**. Princeton University Press.

Khadka, A. (2024). The effect of adaptive capacity on resilience to the COVID-19 pandemic: A cross-country analysis. Jamba: **Journal of Disaster Risk Studies**, 16(1), 1-12.

Kirchner, E. J., & Sperling, J. (2008). **EU security governance**. Manchester University Press.

Kooiman, J. (2003). **Governing as governance**. Sage Publications.

Leventhal, G. S. (1980). **What should be done with equity theory**? In K. J. Gergen, M. S. Greenberg, & R. H. Willis (Eds.), Social exchange: Advances in theory and research (pp. 27-55). Plenum Press.

Lockey, S. (2022). **Recovering from failure: What can security services do to repair trust?** CREST Research.

Mazerolle, L., Bennett, S., Davis, J., Sargeant, E., & Manning, M. (2013). Procedural justice and police legitimacy: A systematic review of the research evidence. **Journal of Experimental Criminology**, 9, 245-274. https://doi.org/10.1007/s11292-013-9175-2

Meadows, D. H. (2008). Thinking in systems: A primer. Chelsea Green Publishing.

Miller, A. H. (1974). Political issues and trust in government: 1964-1970. **American Political Science Review**, 68(3), 951-972.

Mishler, W., & Rose, R. (2001). What are the origins of political trust? Testing institutional and cultural theories in post-communist societies. **Comparative Political Studies**, 34(1), 30-62.

Ozbilgin, M. F., & Erbil, C. (2025). Non-binary individuals, visibility and legitimacy at work: Future crafting inclusive organisations in times of inclusion hysteresis. **International Journal of Human Resource Management**, 36(7), 1164-1190.

Palinkas, L. A., Horwitz, S. M., Green, C. A., Wisdom, J. P., Duan, N., & Hoagwood, K. (2015). **Purposeful sampling for qualitative data collection and analysis in mixed method implementation research**. Administration and Policy in Mental Health and Mental Health Services Research, 42(5), 533-544. https://doi.org/10.1007/s10488-013-0528-y

Plummer, R., & Armitage, D. (2007). **Charting the new territory of adaptive co-management: A Delphi study**. Ecology and Society, 12(2), Article 10. https://doi.org/10.5751/ES-02091-120210

Putnam, R. D. (1993). **Making democracy work: Civic traditions in modern Italy**. Princeton University Press.

Rhodes, R. A. W. (1996). The new governance: Governing without government. **Political Studies**, 44(4), 652-667. https://doi.org/10.1111/j.1467-9248.1996.tb01747.x

Scheffer, M. (2009). **Critical transitions in nature and society**. Princeton University Press.

Scheffer, M., Carpenter, S. R., Lenton, T. M., Bascompte, J., Brock, W., Dakos, V., van de Koppel, J., van de Leemput, I. A., Levin, S. A., van Nes, E. H., Pascual, M., & Vandermeer, J. (2012). **Anticipating critical transitions**. Science, 338(6105), 344-348. https://doi.org/10.1126/science.1225244

Scheffran, J. (2025). **Systemic risks and governance of the global polycrisis in the Anthropocene: Stability of the climate-conflict-migration-pandemic nexus**. Global Sustainability, Cambridge University Press.

Smith, C. L., & Brooks, D. J. (2013). **Security science: The theory and practice of security**. Elsevier.

Tyler, T. R. (2006). **Why people obey the law**. Princeton University Press.

Tyler, T. R., & Lind, E. A. (1992). A relational model of authority in groups. In M. P. Zanna (Ed.), **Advances in experimental social psychology.** Vol. 25, pp. 115-191). Academic Press.

Waever, O. (1995). **Securitization and desecuritization**. In R. D. Lipschutz (Ed.), On security (pp. 46-86). Columbia University Press.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) https://creativecommons.org/licenses/by/4.0